

تحلیل مضمونی اخبار اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان عصر امویان (۴۱-۱۳۲)

در منابع تاریخی اصحاب حدیث

محمدحسین کاظمی / دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم (ع) «نویسنده مسئول» /
kmohamadhosein@gmail.com

زهرا روح الهی امیری / استادیار گروه تاریخ و تمدن دانشگاه باقرالعلوم (ع) /
z.rooholahiamiri@yahoo.com

سید حسین فلاح زاده / دانشیار دانشگاه باقرالعلوم (ع) /
hossain270@gmail.com

تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۰۲/۱۸ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

(DOI): 10.22034/shistu.2024.2001842.2345

چکیده

پژوهش حاضر با درک ارزشمندی میراث تاریخی اصحاب حدیث و اثرگذاری آن در ذهن مخاطبان این آثار در موضوع اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان عصر اموی و با هدف کشف شبکه مضمونی موجود در این متون و برای رسیدن به الگویی که توضیح‌دهنده منطق کلی و شاکله آنها باشد، می‌کوشد تا به این سؤال پاسخ دهد که «اصحاب حدیث در ثبت اخبار اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان چه مضامینی را به مخاطبان ارائه می‌کنند؟» برای یافتن پاسخ ابتدا میراث تاریخی اصحاب حدیث در این زمینه بررسی شد و از میان آثار موجود، تاریخ خلیفه بن خیاط (ابن خیاط، ۲۴۰ق)، بقایای کتاب المعرفه و التاريخ (فسوی، ۲۷۷ق)، تاریخ الامم و الملوک (طبری، ۳۱۰ق)، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، (ابن جوزی ۵۹۷ق) انتخاب شد و داده‌های مرتبط با اخبار اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان از میان آنها استخراج و سپس با روش «تحلیل مضمون» و اجرای مراحل آن، داده‌ها تحلیل و مضامین نهفته در منابع منتخب کشف شد که چهار مضمون فراگیر «تشیع؛ جریان سیاسی- مذهبی»، «تهدیدهای دائمی شیعیان برای حکومت»، «تلاش برای سرکوب شیعیان بر مبنای دین»، و «سرکوب شیعیان با تحمل خسارات» یافت شد که این مضامین با توجه به رویکرد اصحاب حدیث به خلافت، در جهت مشروعیت‌بخشی به رفتار امویان در قبال سرکوب اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان است.

کلیدواژه‌ها: اصحاب حدیث، اهل بیت (علیهم السلام)، شیعیان، امویان، تحلیل مضمون، تاریخ‌نگاری.

مقدمه

«اصحاب حدیث» یا به تعبیر دیگر «اهل حدیث» یکی از جریان‌های کهن و گسترده جهان اسلام بودند که در ثبت و ضبط روایات و احادیث از قرن دوم به این سو نقش مهمی داشتند. شخصیت‌های برجسته این گروه در نگارش و تدوین منابع تاریخ اسلام تأثیر فراوانی داشتند و مورخان صاحب‌نام در قرون سوم تا پنجم بیشتر از این جریان برخاستند. آثار تاریخی اصحاب حدیث از بدو نگارش تا زمان حاضر مد نظر مورخان و پژوهشگران تاریخ اسلام قرار داشته، به گونه‌ای که محققان تاریخ اسلام در تحقیقات خود، ناگزیر از مطالعه دقیق آثار مورخان این جریان هستند و به عبارت دیگر، متون باقی‌مانده از این جریان زیربنای اصلی مطالعات و پژوهش‌های تاریخی صدر اسلام را تشکیل می‌دهد و پژوهشگران خواسته یا ناخواسته در معرض سیمایی از تاریخ صدر اسلام هستند که به وسیله این جریان به صورت مکتوب درآمده است.

پژوهش پیش رو با درک ارزشمندی میراث تاریخی اصحاب حدیث و اشراف به این مسئله که گزارش‌های تاریخی اصحاب حدیث از صدر اسلام شاکله اصلی ارائه تصویر آن دوران در ذهن پژوهشگران است، می‌کوشد تا با استفاده از روش «تحلیل مضمون» (Thematic Analysis) نشان دهد که اصحاب حدیث در آثار خود چه مضامینی به مخاطبان خود ارائه می‌کنند. برای رسیدن به این مهم، عصر امویان انتخاب شده و با توجه به اینکه بخشی از اخبار عصر امویان مربوط به اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و شیعیان این دوره است، این پژوهش با موضوع اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و شیعیان ساماندهی شده است. اما اهمیت پرداختن به اهل‌بیت (علیه‌السلام) و شیعیان تنها در حجم اخبار موجود در منابع تاریخی خلاصه نمی‌شود، بلکه اهتمام امویان به اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و شیعیان و صرف هزینه‌های مالی و انسانی آنان برای سرکوب این جریان، اهمیت این مسئله را مضاعف می‌کند.

مسئله دیگر در وجه اهمیت پرداختن به اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان فعالیت این جریان سیاسی - مذهبی در عصر اموی است که ضمن نفی گفتمان امویان و نامشروع دانستن حکومت اموی، درصدد تشکیل حکومتی به رهبری فردی از اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان امام بود.

با توجه به آنچه گذشت، این پژوهش در تلاش است تا به این سؤال پاسخ دهد که «اصحاب حدیث در ثبت اخبار اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان چه مضامینی را به مخاطبان ارائه می‌کنند؟»

داده‌های این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و در تحلیل داده‌ها از روش «تحلیل مضمون» استفاده خواهد شد.

بیان روشمند مضامین ارائه‌شده و ویژگی‌های متمایز اصحاب حدیث در میراث تاریخی باقی‌مانده از آنان که نشان‌دهنده اطلاعات مهم موجود در آثار آنان است، به صورتی که امکان تحلیل و تفسیر مضامین ارائه‌شده آنان را داشته باشد و مشخص کند که آنان در آثار خود چه مضمون‌هایی را به مخاطب خود القا نموده‌اند، نوآوری این پژوهش محسوب می‌شود که در پژوهش‌های تاریخی به آن اشاره نشده است و می‌تواند افق‌های جدیدی در برابر پژوهشگران این عرصه قرار دهد.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر از روش «تحلیل مضمون» استفاده شده که روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. (شیخ‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳)

این روش برای شناخت، شناسایی، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. «تحلیل مضمون» در کمترین حالت، مجموعه داده‌ها را با جزئیات بسیار سازماندهی می‌کند و شرح می‌دهد و جنبه‌های گوناگون موضوع پژوهش را تفسیر می‌کند. «تحلیل مضمون» صرفاً روش کیفی خاصی نیست، بلکه فرایندی است که می‌تواند در بیشتر روش‌های کیفی به کار رود. به‌طور کلی «تحلیل مضمون» روشی است برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان یا فرهنگ، و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی. (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۵۳)

مضمون در این روش غالباً به‌مثابه الگویی است که مبین نکته جالبی درباره موضوع تحقیق است و با استفاده از شعور متعارف شناخته می‌شود (شیخ‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۹). به‌عبارت دیگر، مضمون (Theme) ویژگی تکراری و متمایز در متن است که نشان‌دهنده اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و درک خاصی در رابطه با سؤالات پژوهش و الگویی است که در مجموعه‌ای از داده‌ها یافت شده و به توصیف و سازماندهی مشاهدات و تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد. (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۵۴) به همین علت شناخت مضمون یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین کارها در تحقیقات کیفی است و شعور متعارف، ارزش‌های محقق، جهت‌گیری‌ها و سؤالات تحقیق و تجربه محقق درباره موضوع در نحوه شناخت مضامین تأثیر می‌گذارد.

اما برای شناخت مضمون باید مسائلی را در نظر داشت:

اول. شناخت مضمون هرگز به معنای یافتن صرف نکته جالبی در داده‌ها نیست، بلکه مستلزم آن است که پژوهشگر مشخص کند در داده‌ها باید دنبال چه چیزی باشد، از چه چیزهایی باید صرف‌نظر کند، و چگونه داده‌ها را تحلیل و تفسیر نماید؟ در واقع مضمون شناسایی شده باید نقش مهم و برجسته‌ای در تحلیل نهایی داده‌ها داشته باشد.

دوم. واژه «مضمون» به طور ضمنی و تا حدی، مبین تکرار است و از این رو مسئله‌ای را که صرفاً یک بار در متن داده‌ها ظاهر شود نمی‌توان مضمون به حساب آورد (مگر آنکه نقش برجسته و مهمی در تحلیل نهایی داده‌ها داشته باشد). به طور معمول، تکرار به معنای مشاهده و ظاهر شدن در دو یا چند مطلب در متن است.

سوم. مضمون‌ها باید از یکدیگر متمایز باشند. با وجود اینکه همپوشانی در میان مضامین متفاوت اجتناب‌ناپذیر است، اما اگر مرز کاملاً مشخص و تعریف‌شده‌ای میان مضامین وجود نداشته باشد، نمی‌توان درک درستی از تحلیل‌ها و تفسیرها عرضه کرد. (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۶۱؛ شیخ‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۶۱)

محققان در تحلیل مضمون از چهار روش بهره برده‌اند (شیخ‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۲-۱۶۵) که روش «شبکه مضامین» (Network Thematic) یکی از آنهاست و در این پژوهش از آن استفاده شده است.

این روش را آتراید - استرلینگ (Attrid-Stirling) توسعه داد و آنچه را عرضه می‌کند نقشه‌ای شبیه تارنما به‌مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است. شبکه مضامین بر اساس روندی مشخص، مضامین پایه (رمزها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌مثابه کل) را نظام‌مند می‌کند، سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. باید به این نکته توجه داشت که یک شبکه مضمونی ابزار و تصویری برای تفسیر متن است و نتایج حاصل از آن متن را برای محقق و مخاطب روشن می‌کند. (شیخ‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۰)

در تحقیق پیش رو مراحل انجام این روش برای کشف شبکه مضامین اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان در منابع تاریخی اصحاب حدیث مرحله به مرحله انجام می‌شود.

در اجرای این روش، ابتدا اهل‌بیت (علیهم السلام) و شیعیان به‌مانند جریانی واحد در نظر گرفته شده، سپس روشن‌ترین اخبار مربوط به ایشان گردآوری و پس از طی فرایند «تحلیل مضمون» تلاش شده است تا به مفاهیم دارای سطح‌بندی برسیم. منظور از «سطح مفاهیم» آن است که برخی از مضامین که مهم‌تر هستند، در جایگاه مرکزی قرار بگیرند و سایر مضامین نیز پیرامون آنها سازماندهی شوند که در نتیجه توصیفی غنی از مجموعه داده‌ها به دست می‌آید و شبکه مضامین اخبار اهل‌بیت (علیهم السلام) و شیعیان در منابع اصحاب حدیث روشن می‌شود.

این پژوهش کوشیده است تا توصیفی غنی و جامع از کل داده‌ها عرضه کند، به‌گونه‌ای که خواننده بتواند مضامین مهم یا برجسته مجموع این اخبار را بشناسد. همچنین مضامین به روش «استقرایی» (مبتنی بر داده) شناسایی می‌شوند که به‌شدت با خود داده‌ها مرتبط هستند. (Patton, 1990, P.85) تحلیل نیز بر اساس همین داده‌ها انجام می‌شود.

مطلب دیگری که در این پژوهش مد نظر قرار داشته این است که مضامین در سطح مشهود، با توجه به معانی ظاهری داده‌ها شناخته شده و در مقام تحلیل، به دنبال چیزی فراتر از آنچه در متن وجود دارد نبوده‌ایم. (شیخ‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵-۱۷۴)

۱. بررسی مفاهیم

۱-۱. اصحاب حدیث

«اصحاب حدیث» آن دسته از عالمان سنی مذهب‌اند که در برخورد با معارف دینی، زمینه اصلی مطالعات آنان منابع نقلی از احادیث و آثار بود و بر میراث بازمانده صحابه و تابعان و منابع روایی تکیه داشتند (پاکتچی، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۱۱۴) و تنها راه رسیدن به معارف دین را «آثار» دانسته و سایرین را از «رأی» بر حذر می‌داشتند و نسبت به پیروی از «رأی» هشدار می‌دادند. البته از این بستر جریان‌های متعددی روید و به تدریج جریانی به صورت یک اندیشه مستقل درآمد و در آغاز با نام اصحاب «اثر» و سپس با عنوان «اصحاب

حدیث» ثبت شد. (امیرخانی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۷) اما این آثار مورد تأکید اصحاب حدیث شامل چه چیزهایی بود؟

معلوم است که «آثار» در سیر تکوین اصحاب حدیث مسئله واحدی نبوده و اختلافاتی در خصوص آن وجود داشته است (نک. قاسم پور و مهمان نواز، ۱۳۹۴، ص ۱۱۷-۱۲۶)؛ ولی سرانجام به قرآن، حدیث پیامبر (صلی الله علیه وآله)، اقوال صحابه و سپس آنچه سلف صالح بر آن اتفاق کرده‌اند، اطلاق شد. (لالکایی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۹)

ایشان بر آن بودند که سیره و روش پیامبر (صلی الله علیه وآله) و - به اصطلاح - سنت را باید به کمک حدیث شناخت. (کرون، ۱۳۸۹، ص ۲۲۱) این گروه مخالف بحث عقلی درباره مسائل اعتقادی بودند. آنها نگاهی حداکثری به پذیرش روایات داشتند و به گونه‌ای افراطی، حتی اگر برداشت ظاهری از روایات، با مسلمات عقلی نیز در تضاد بود، به خاطر حدیث بودن آن را می‌پذیرفتند و مردم را در این‌گونه مسائل، به تعبد به آنچه در نصوص آمده بود، دعوت می‌کردند. (لطفی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۳۴) از نظر آنها تأویل ظواهر دینی جایز نیست و اگر التزام به ظواهر دینی با مشکل تجسیم و تشبیه مواجه شود، نباید به تأویل ظواهر پرداخت، بلکه باید در تفسیر توقف کرد (شهرستانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۱۹)؛ مثلاً، مالک بن انس درباره استوای خداوند بر عرش، عقیده داشت که استوای خداوند بر عرش معلوم است و چگونگی آن مجهول است و ایمان به آن واجب و سؤال از آن بدعت است. (شهرستانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۰۵)

تکیه اصحاب حدیث بر آثار، بیش از هر چیز نشان می‌دهد گذشته برای آنان موضوعی مهم و مقوله‌ای نیرومند است؛ زیرا گذشته الگویی برای حال در نظر گرفته می‌شد (آقاجری و حائمی، ۱۳۹۳، ص ۷) و اصحاب حدیث نیز بر پایه آن، آموزه‌های متنوعی را در زمینه اصول عقاید، اخلاق، تفسیر قرآن، فقه و آداب فردی و اجتماعی ترویج می‌کردند. در این تحقیق افرادی که از مکتب این عالمان بهره‌مند بوده یا به‌نوعی تأثیر گرفته‌اند یا اینکه در دوره‌ای از حیات علمی خود به آن وابستگی داشته‌اند، مدنظرند.

مسئله مهم دیگر در ارتباط با اصحاب حدیث، نحوه‌گزینش افراد شاخص این جریان و تألیفات آنان است. گفته شد که این جریان در آثار خود بر روایات و اخبار تکیه داشتند و روشن است که حجم انبوهی از اخبار اهل بیت (علیهم‌السلام) و شیعیان عصر امویان در میان آثار ایشان مشاهده می‌شود؛ اما با توجه به اینکه تحقیق پیش رو یک پژوهش در موضوع تاریخ‌نگاری است، افرادی برای مطالعه انتخاب شدند که در تألیفات تاریخی نام‌آور بودند و در میان آثار این افراد منتخب نیز تألیفات مشهور آنان در موضوع تاریخ که درباره عصر امویان بحث کرده باشند، مد نظر است و به همین علت از آثار ایشان در زمینه‌های فقه، حدیث، تفسیر، طبقات و تراجم چشم‌پوشی می‌شود و با توجه به شاخص‌های بیان‌شده که همانا تکیه بر احادیث در برخورد با معارف دینی و تألیف آثار تاریخی شامل عصر اموی است، در نهایت آثاری همچون *تاریخ خلیفه بن خیاط* (ابن خیاط، ۲۴۰ق)، *بقایای کتاب المعرفة و التاريخ* (فسوی، ۲۷۷ق)، *تاریخ الامم و الملوك* (طبری، ۳۱۰ق)، و *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوك* (عبدالرحمن بن جوزی، ۵۹۷ق) بررسی می‌شود.

خلیفه بن خیاط و فسوی صاحبان دو اثر کهن تاریخی از این جریان هستند. طبری هرچند در فقه ملاحظاتی در تعدیل مکتب اصحاب حدیث داشته (پاکتچی، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۱۱۴)، اما با تألیف کتاب *السنه در کلام*، دل‌بستگی خود را به این جریان نشان داده است. ابن جوزی نیز به‌عنوان میراث‌بر اصحاب حدیث انتخاب شده است، تا بدین‌سان آثاری از این جریان در طی قرون سوم تا ششم مطالعه شود.

گره‌خوردن مسائل اعتقادی با تاریخ‌نگاری امری است که در این پژوهش به‌مثابه پیش‌فرض به آن توجه شده، اما به‌طور عام با توجه به آنکه نوشتن رخداد‌های تاریخی بدون داشتن بن‌مایه‌نگرشی یا بینش تاریخی ممکن نیست، بنابراین تاریخ‌نگاری مورخان را بدون شناخت رویکرد آنان به تاریخ و باور آنان نسبت به مفهوم تاریخ، نمی‌توان مطالعه کرد. کار مورخی را نمی‌توان کامل فهمید یا قدر شناخت، مگر اینکه ابتدا نقطه نظری را که اساس برداشت او بوده است، درک کنیم. به همین علت، لازم است تا برخی از باورهای اصحاب حدیث را که با موضوع اهل بیت (علیهم‌السلام) و شیعیان گره خورده است مرور کنیم.

با توجه به درگیری‌های اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان در عصر اموی با حکومت، لازم است تا موضع اصحاب حدیث درباره خلافت و نسبت مردم با آن روشن شود. فرضی که در باور اصحاب حدیث در خصوص خلیفه مسلمانان وجود دارد این است که هرگاه مسلمانان با کسی به عنوان متولی امور خود بیعت کنند، وی «خلیفه» نامیده می‌شود. همچنین «خلیفه رسول خدا» نیز نامیده می‌شود؛ زیرا چنین کسی جانشین رسول الله (صلی الله علیه وآله) در میان امت اوست. (ابن فراء حنبلی، ۱۴۲۱، ص ۲۷) مردم باید از این خلیفه، چه ظالم باشد چه درستکار، اطاعت کنند و اگر کسی بر امام مسلمانان خروج کند با جماعت مسلمانان و تعالیم پیامبر (صلی الله علیه وآله) مخالفت کرده است و اگر بمیرد به مرگ جاهلی مرده است. جنگ و خروج بر سلطان بر احدی از مردم جایز نیست و هر کس چنین کند بدعتگذار و خارج از سنت است. نبرد با این افراد جایز بوده و تعقیب آنان بر عهده خلیفه یا والیان مسلمان است (لالکائی، ۱۴۲۲ق، به نقل از: احمد بن حنبل، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۵۲-۱۵۳) و لازم است تا مردم با او همراهی کنند. (صابونی، ۱۴۱۹، ص ۲۹۴)

باور دیگر اصحاب حدیث که ارتباط تنگاتنگی با فقه این جریان و تعیین احکام شرعی برای مسائل دارد، بحث «اجماع» است. (پاکتچی، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۱۱۵-۱۲۱) طبری در بحث «اجماع» آن را «توافق جمهور بر یک حکم» معرفی می‌کند (ابن حزم، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۴۵) که این اعتقاد نیز با توجه به همراهی اقشار مسلمانان در سرکوب اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان در خور توجه است.

این باورها در نهایت سبب می‌شود تا تاریخ‌نگار بنا بر اهمیت مسئله، طرحی را بر اساس پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک خود سامان دهد و نسبت به تنظیم داده‌ها حول روش امویان در انجام این وظایف محول‌شده و انطباق آن بر دین و شرایع اسلام به انجام رساند. اینکه تا چه اندازه این پیش‌فرض‌ها در تنظیم این داده‌ها تأثیر گذاشته و نوع داده‌ها را در قالب خاصی قرار داده، مسئله پژوهش حاضر است.

۱-۲. اموی

منظور از «اموی» و «عصر اموی» در این پژوهش، دولت امویان است که معاویه بن ابی‌سفیان در سال ۴۱ق آن را تأسیس کرد و تا سال ۱۳۲ق ادامه داشت.

۱-۳. اهل‌بیت(علیهم‌السلام)

این واژه به صورت عام به خاندان پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) اطلاق می‌شود و به صورت خاص به حضرت زهرا(علیها‌السلام)، امام‌علی(علیه‌السلام) و فرزندان آنان گفته می‌شود و در این تحقیق شامل فرزندان غیر فاطمی امام‌علی(علیه‌السلام) و همچنین برخی از اقوام امام‌علی(علیه‌السلام) که نزد شیعیان آن دوره به اهل‌بیت(علیهم‌السلام) ملحق می‌شدند (مانند محمد بن حنفیه و عبدالله بن معاویه از نوادگان جعفر بن ابی‌طالب) نیز اطلاق می‌شود.

۱-۴. شیعه

واژه «شیعه» در لغت به افرادی گفته می‌شود که در امری و یا هدفی اتفاق نظر داشته باشند و به پیروان و یاران یک شخص «شیعه» آن شخص گفته می‌شود. (ابن‌سیده، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۱۴) همچنین این واژه به افرادی اطلاق می‌گردد که انسان به وسیله آنها تقویت می‌شود و توانمند می‌گردد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۷۰)

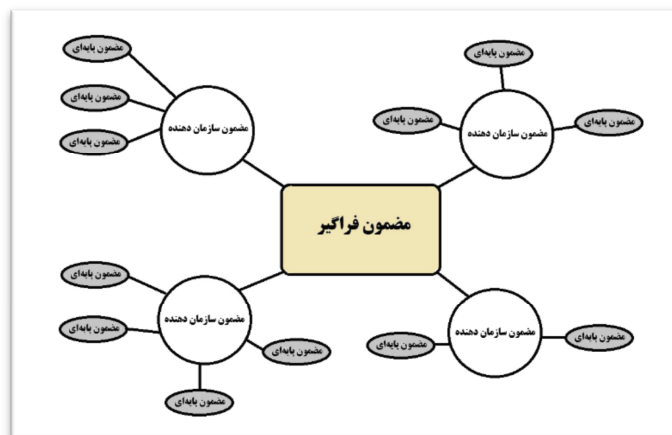
در دوره امویان اصطلاح «شیعه» به طور عام در برابر اصطلاح «عثمانی» قرار داشت و کاربرد آن برای افراد در یک سطح نبود و افراد ضد عثمان را که پیرو امام‌علی(علیه‌السلام) بودند شامل می‌شد، هرچند آنان خلافت شیخین را هم قبول داشتند. (جعفریان، ۱۳۹۱، ص ۲۱)

هدف این پژوهش نگاهی به تمام جریان تشیع در عصر امویان است. به همین سبب ناگزیر از انتخاب تعریفی عام از این جریان هستیم که قادر به پوشش افراد بیشتری از این جریان باشد و بر همین مبنا می‌توانیم بگوییم که تشیع در این دوران عبارت بود از: اعتقاد به افضلیت امام‌علی(علیه‌السلام) و برتری آن حضرت برای امامت و خلافت، خواه این افضلیت به واسطه شایستگی شخصی حضرت باشد و خواه به واسطه تصریح پیامبر(صلی‌الله

علیه و آله) و بدین روی افرادی هم که از لحاظ سیاسی با اهل بیت (علیهم السلام) همسو هستند وارد دایره تشیع می‌شوند. (نک: آقائوری، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲)

در این مقاله اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان به مثابه یک جریان واحد در نظر گرفته شده که دارای سه ویژگی «رهبری»، «بدنه اجتماعی» و «نظام اندیشه‌ای» است که به هر سه در میراث تاریخی اصحاب حدیث اشاره شده است.

نمودار (۱): نمونه‌ای از اجزای شبکه مضمونی (Attrid-Stirling, 2001, p.388)



۲. مضامین مرتبط با اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان در آثار تاریخی اصحاب حدیث

۱-۲. استخراج مضامین پایه‌ای از متن

در روش «تحلیل مضمون» ابتدا از متن اصلی - که در اینجا منابع تاریخی اصحاب حدیث است - مضمون‌های پایه‌ای استخراج و در قالب رمزهایی ساماندهی می‌شود. هر یک از اخبار مربوط به اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان دارای مضمونی است که با خواندن آن، به ذهن متبادر می‌شود و به آن «مضمون پایه‌ای» می‌گویند. در این قسمت برای هر مضمون پایه‌ای یک خبر از میان اخبار مربوط به این مضمون به‌عنوان نمونه انتخاب و در جدول (۱) درج شده است.

جدول (۱): استخراج مضامین پایه‌ای از منابع منتخب اصحاب حدیث

ردیف	نمونه عبارت	نمونه منابع	مضامین پایه‌ای
۱	سال ۶۰: «و انا ادعوکم الی کتاب الله و سنة نبیه.» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۳۵۷)	طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۵۶۰ و ج ۷، ص ۱۷۲	دعوت به کتاب و سنت
۲	سال ۱۲۱: «لأنهم افترضوا علی انفسهم طاعتهم.» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۱۶۹)	ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۶۰ و ج ۷، ص ۲۱۰	ضرورت یاری اهل‌بیت (علیهم السلام) و تبعیت از ایشان
۳	سال ۵۱: «اما والله ان كان ما علمت [حجر] مسلماً حجاجاً معتمراً.» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۲۷۹)	ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۳۲۸؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۴۳۲	تقوا
۴	سال ۶۶: «فیها غلب المختار بن ابی عبیده علی الکوفه.» (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵، ص ۱۶۴)	خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵، ص ۲۴۴؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۲۹	اعتراض‌ها و نهضت‌های متعدد
۵	سال ۶۱: «و قاتل أصحاب الحسین قتلاً شديداً.» (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۳۳۹)	طبری، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۲۳۰؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۵۴	نبردهای شدید
۶	سال ۶۱: «فقال زینب: بدین الله و دین ابی و دین أخی و جدی اهتدیت أنت و ابوک و جدک.» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۴۶۲)	طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۴۵۹؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۲۴۱	پاسخ به تبلیغات امویان
۷	سال ۶۱: «و انتقم لنا من هؤلاء الظالمین.» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۴۴۸)	طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۵۵۶؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۲۱۰	ظالم خواندن امویان

مدیریت و نظارت خلیفه بر سرکوب	طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۷، ص ۲۳۰ و ج ۵، ص ۳۸۱	سال ۶۵: «و فیها وجه مروان عبیدالله بن زیاد إلى العراق فی ستین ألفا فی شهر ربیع الآخر.» (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵ق، ص ۱۶۳)	۸
ادعای مشروعیت دینی	طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۴۱۶ و ج ۷، ص ۱۷۰	سال ۶۱: «فقال له یزید: قل: "و ما أصابکم من مصیبة فیما کسبت ایدیکم و یعفو عن کثیر" ثم سکت عنه.» (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۴۶۱)	۹
گمراه و منحرف خواندن اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان	فسوی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۳۲؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۴۲	سال ۵۱: «ان طواغیت من هذه الترابیة السبئیة، رأسهم حجر بن عدی.» (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۲۷۲)	۱۰
شهادت بزرگان اهل بیت (علیهم السلام) و شیعه	خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵ق، ص ۱۶۳؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۲۱۲	سال ۶۰: «قتل مع الحسین بن علی سبعة عشر رجلاً کلهم قد ارتکض فی بطن فاطمة.» (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵ق، ص ۱۴۶)	۱۱

۲-۲. تبدیل مضامین پایه‌ای

پس از دست‌یافتن به مضامین پایه‌ای که در جدول (۱) مشاهده شد، باید مضامین سازمان‌دهنده و سپس مضامین فراگیر را با توجه به مضامین پایه‌ای به دست آورد. در این مرحله از «تحلیل مضمون» باید تلاش کرد تا با سازماندهی مجدد مضامین پایه‌ای و ترکیب و تلخیص آنها با یکدیگر، مضامین انتزاعی‌تری را به دست آورد (Stirling-Attrid, 2001, P.388) تا به وسیله آن به مضمون‌های مهم‌تر و فراگیرتر رسید.

جدول (۲): استخراج مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر از مضامین پایه‌ای

ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۱	دعوت به کتاب و سنت	مرامنامه اعتقادی اهل‌بیت (علیهم السلام) و شیعیان	
۲	برتری اهل‌بیت (علیهم السلام)		
۳	ضرورت یاری اهل‌بیت (علیهم السلام) و تبعیت از ایشان		
۴	برائت از عثمان		
۵	تقوا	رویکرد و رفتار دینی اهل‌بیت (علیهم السلام) و شیعیان	تشیع؛ جریانی سیاسی و مذهبی
۶	توجه به اعمال عبادی		
۷	استناد به قرآن و سیره اهل‌بیت (علیهم السلام)		
۸	شهادت‌طلبی		
۹	بی‌توجهی به دنیا و آخرت‌گرایی		
۱۰	عدالت‌خواهی و حق‌طلبی		
۱۱	نافرمانی از امویان	تلاش برای تشکیل حکومت	
۱۲	دعوت به قیام		
۱۳	بیعت گرفتن		
۱۴	آگاهی از شرایط		
۱۵	تلاش برای قصاص		
۱۶	تجهیز و ساماندهی نیروها		
۱۷	فعالیت شیعیان در نقاط گوناگون	گسترده‌گی دامنه فعالیت	
۱۸	نفوذ در قبایل گوناگون		
۱۹	فعال بودن زنان		
۲۰	اعتراض‌ها و نهضت‌های متعدد		

تهدیدهای دائمی شیعیان برای حکومت	فعالیت تبلیغاتی اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان	پاسخ به تبلیغات امویان	۲۱
		بیان فضایل اهل بیت (علیهم السلام)	۲۲
		ظالم خواندن امویان	۲۳
		گمراه خواندن امویان	۲۴
		مذمت امویان	۲۵
	قدرت نظامی شیعیان	مهارت فردی	۲۶
		توانایی نظامی	۲۷
		شجاعت	۲۸
		پیروزی‌های شیعیان	۲۹
	تلاش برای سرکوب شیعیان بر مبنای دین	مدیریت سرکوب توسط خلافت	مدیریت و نظارت خلیفه بر سرکوب
مدیریت والیان بر سرکوب مناطق خود			۳۱
عاملیت سرداران در سرکوب			۳۲
تامین نیرو و تجهیزات توسط حکومت			۳۳
تدارک لشکر فراوان توسط حکومت			۳۴
مذاکره امویان با اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان			۳۵
تهدید مردم و بزرگان برای سرکوب اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان			۳۶
قدردانی از سرکوبگران			۳۷
همراه کردن بزرگان قبایل در سرکوب			۳۸

رویکرد دینی حکومت در سرکوب	توجه نیروهای سرکوب به اعمال عبادی	۳۹
	ادعای مشروعیت دینی	۴۰
	خدا امویان را پیروز کرد	۴۱
توانمندی نظامی حکومت در سرکوب	آرایش نظامی	۴۲
	تعقیب شیعیان	۴۳
	مهارت نظامی امویان	۴۴
	آگاهی از تحرکات اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان	۴۵
	پیروزی‌های امویان	۴۶
	توهین امویان به اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان	۴۷
تبلیغات علیه اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان	گمراه و منحرف خواندن اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان	۴۸
	توجه به عثمان و یارانش	۴۹
	اتهام دروغ و توطئه	۵۰
	بازداشت و زندان	۵۱
سرکوب خشن اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان	شکنجه	۵۲
	اعدام شیعیان	۵۳
	شهادت بزرگان اهل بیت (علیهم السلام) و شیعه	۵۴
	اعمال خشونت در سرکوب	۵۵
	تلفات سنگین شیعیان	۵۶
	تلفات لشکر اموی	۵۷
	ابراز نارضایتی بزرگان از سرکوب خشن	۵۸
تلفات و خسارات و مشکلات امویان	نبردهای شدید	۵۹

۲-۳. کشف و توصیف شبکه مضامین

با بررسی و تحلیل مضامین مرتبط با اخبار اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان در منابع تاریخی اصحاب حدیث به چهار مضمون فراگیر می‌رسیم که در ادامه توضیح داده می‌شود:

۲-۳-۱. تشیع جریان‌ی سیاسی و مذهبی

اولین مضمون فراگیری که در این تحقیق به دست آمد معرفی تشیع به عنوان یک جریان سیاسی و مذهبی است که خود بر سه مضمون سازمان‌دهنده «مرامنامه اعتقادی اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان»، «رویکرد و رفتار دینی اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان» و «تلاش برای تشکیل حکومت» تکیه دارد.

۲-۳-۱-۱. مرامنامه اعتقادی اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان

برخی از مضامین پایه‌ای به دست آمده از منابع اصحاب حدیث تشکیل دهنده مضمون سازمان‌دهنده‌ای به نام «مرامنامه اعتقادی اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان» است؛ مانند: دعوت به کتاب و سنت (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۳۵۷)، برتری اهل بیت (علیهم السلام) (همان، ص ۵۹۰)، ضرورت یاری اهل بیت (علیهم السلام) و تبعیت از ایشان (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۲۱۰) و برائت از عثمان. (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۲۷۵)

۲-۳-۱-۲. رویکرد و رفتار دینی اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان

مضمون سازمان‌دهنده دیگری است که اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان را به عنوان یک جریان معرفی می‌کند و از مضامین پایه‌ای مانند تقوا (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۳۲۸)، توجه به اعمال عبادی (ابن خیاط، ۱۴۱۵ق، ص ۱۶۴)، استناد به قرآن و سیره اهل بیت (علیهم السلام) (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۲۵۴)، شهادت‌طلبی (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۴۰)، بی‌توجهی به دنیا و آخرت‌گرایی (همان، ج ۵، ص ۵۸۵)، عدالت‌خواهی و حق‌طلبی (همان، ج ۷، ص ۱۷۲) تشکیل شده است.

۲-۳-۱-۳. تلاش برای تشکیل حکومت

شش مضمون پایه‌ای نافرمانی از امویان (ابن خیاط، ۱۴۱۵ق، ص ۱۴۲)، دعوت به قیام (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۲۱۰)، بیعت گرفتن (ابن خیاط، ۱۴۱۵ق، ص ۲۴۵)، آگاهی از شرایط (فسوی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۷۵۳)، تلاش برای قصاص (ابن خیاط، ۱۴۱۵ق، ص ۱۶۴) و تجهیز و ساماندهی نیروها (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۵۵۸) بیانگر وجود مضمون سازمان‌دهنده‌ای به نام «تلاش برای تشکیل حکومت» در منابع مورد بررسی این تحقیق است.

۲-۳-۲. تهدیدهای دائمی شیعیان برای حکومت

دومین مضمون فراگیر به دست آمده در این پژوهش «تهدیدهای دائمی اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان برای حکومت» بود که از سه مضمون «سازمان‌دهنده گسترده‌ی دامنه فعالیت»، «فعالیت تبلیغاتی اهل بیت (علیهم السلام)» و «شیعیان و قدرت نظامی آنها» حاصل شد.

۲-۳-۱-۲. گسترده‌ی دامنه فعالیت

منابع اصحاب حدیث نشان‌دهنده فعالیت شیعیان در نقاط گوناگون (ابن خیاط، ۱۴۱۵، ص ۱۴۳)، نفوذ در قبایل مختلف (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۹۳-۱۹۴)، فعال بودن زنان (طبری، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۱۰۵)، و اعتراض‌ها و نهضت‌های متعدد (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۲۹) بود که مبین گسترده‌ی دامنه فعالیت اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان است.

۲-۳-۲-۲. فعالیت تبلیغاتی اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان

پنج مضمون پایه‌ای پاسخ به تبلیغات امویان (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۴۶۲)، بیان فضایل اهل بیت (علیهم السلام) (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۱۴)، ظالم خواندن امویان (همان، ج ۵، ص ۴۴۸)، گمراه خواندن امویان (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۵۵)، و مذمت امویان (همان، ج ۵، ص ۳۴۰) نشان‌دهنده مضمون سازمان‌دهنده‌ای به نام «فعالیت تبلیغاتی اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان» است.

۲-۳-۲. قدرت نظامی شیعیان

ثبت اخبار مربوط به مهارت فردی (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۹۰)، توانایی نظامی (همان، ج ۶، ص ۲۲)، شجاعت (همان، ج ۵، ص ۵۹۹)، و پیروزی‌های شیعیان در برابر امویان (ابن خیاط، ۱۴۱۵ق، ص ۱۶۴) در منابع تاریخی اصحاب حدیث بیانگر مضمون سازمان‌دهنده قدرت نظامی شیعیان است.

۲-۳-۳. تلاش برای سرکوب شیعیان بر مبنای دین

مضمون فراگیر دیگری که در این تحقیق به دست آمد تلاش برای سرکوب شیعیان بر مبنای دین توسط امویان است و خود شامل و دو مضمون سازمان‌دهنده به نام‌های «مدیریت سرکوب توسط خلافت» و «رویکرد دینی حکومت در سرکوب» است.

۲-۳-۳-۱. مدیریت سرکوب توسط خلافت

این مضمون سازمان‌دهنده از مضامین پایه‌ای مانند مدیریت و نظارت خلیفه بر سرکوب (همان، ص ۱۶۳)، مدیریت والیان بر سرکوب مناطق خود (فسوی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۶۱۷)، عاملیت سرداران در سرکوب (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۳۶)، تأمین نیرو و تجهیزات توسط حکومت (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۵۹۸)، تدارک لشکر فراوان توسط حکومت (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۴۳)، مذاکره امویان با اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۳۳۶)، تهدید مردم و بزرگان برای سرکوب اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۷، ص ۱۷۰)، قدردانی از سرکوبگران (همان، ج ۵، ص ۲۶۱)، و همراه کردن بزرگان قبایل در سرکوب (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۳۲۵) به دست آمد.

۲-۳-۳-۲. رویکرد دینی حکومت در سرکوب

سه مضمون پایه‌ای توجه نیروهای سرکوب به اعمال عبادی (ابن خیاط، ۱۴۱۵ق، ص ۱۲۳)، ادعای مشروعیت دینی (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۴۶۱) و خدا امویان را پیروز کرد (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۴۳۱) نشان‌دهنده رویکرد دینی حکومت اموی در سرکوب شیعیان نزد اصحاب حدیث است.

۲-۳-۴. سرکوب شیعیان با تحمل خسارات

آخرین مضمون فراگیری که در این پژوهش به دست آمد سرکوب شیعیان با تحمل خسارات توسط امویان بود که خود از چهار مضمون سازمان‌دهنده «توانمندی نظامی حکومت در سرکوب»، «تبلیغات علیه اهل‌بیت (علیهم السلام) و شیعیان»، «سرکوب خشن اهل‌بیت (علیهم السلام) و شیعیان» و «تلفات و خسارات و مشکلات امویان» تشکیل شده است.

۲-۳-۳. توانمندی نظامی حکومت در سرکوب

اخبار مربوط به سرکوب شیعیان در منابع مورد بررسی، از طریق مضامین پایه‌ای همچون آرایش نظامی (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۷، ص ۲۳۰)، تعقیب شیعیان (همان، ج ۵، ص ۳۸۵)، آگاهی از تحرکات اهل‌بیت (علیهم السلام) و شیعیان (همان، ص ۳۴۸)، مهارت نظامی امویان (ابن جوزی، ۴۱۲ق، ج ۶، ص ۳۷)، پیروزی‌های امویان (همان، ج ۷، ص ۲۴۴) ما را به مضمون سازمان‌دهنده‌ای به نام «توانمندی نظامی حکومت در سرکوب» می‌رساند.

۲-۳-۴. تبلیغات علیه اهل‌بیت (علیهم السلام) و شیعیان

دیگر مضمون سازمان‌دهنده در این تحقیق است که خود از مضامین پایه‌ای نهفته در متون، مانند توهین امویان به اهل‌بیت (علیهم السلام) و شیعیان (فسوی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۶۱۷)، گمراه و منحرف خواندن اهل‌بیت (علیهم السلام) و شیعیان (همان، ص ۳۲)، توجه به عثمان و یارانش (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۲۵۳-۲۵۴)، و اتهام دروغ و توطئه (همان، ص ۲۶۸) به دست آمد.

۲-۳-۵. سرکوب خشن اهل‌بیت (علیهم السلام) و شیعیان

این مضمون سازمان‌دهنده حاصل شش مضمون پایه‌ای بازداشت و زندان (همان، ص ۲۸۶)، شکنجه (فسوی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۶۱۷)، اعدام شیعیان (ابن خیاط، ۱۴۱۵ق، ص ۱۳۱)، شهادت بزرگان اهل‌بیت (علیهم السلام) و شیعه (همان، ص ۱۴۶)، اعمال خشونت در سرکوب (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۴۱۵) و تلفات سنگین شیعیان (همان، ج ۷، ص ۲۳۰) است.

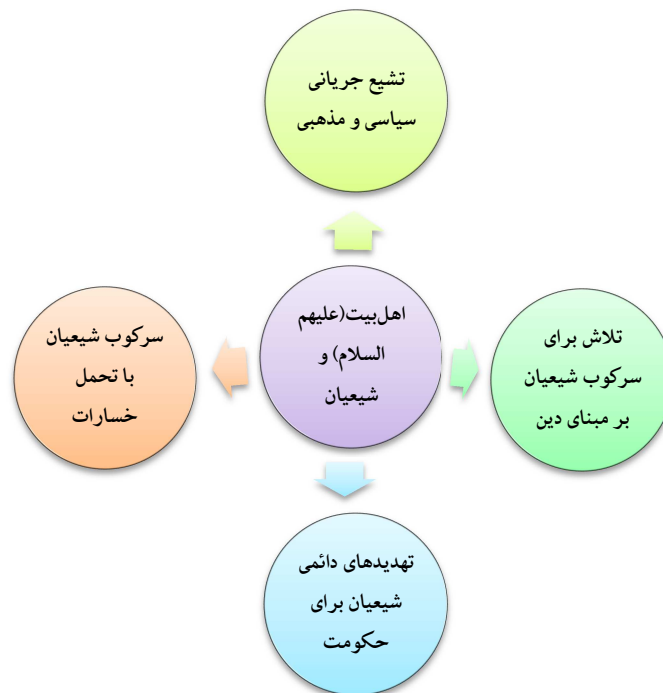
۲-۳-۳-۶. تلفات و خسارات و مشکلات امویان

سه مضمون پایه‌ای تلفات لشکر اموی (ابن خیاط، ۱۴۱۵ق، ص ۱۶۴)، ابراز نارضایتی بزرگان از سرکوب خشن (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۳۴۰) و نبردهای شدید (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۳۳۹) بیانگر تلفات و خسارت و مشکلات امویان در سرکوب شیعیان است.

۳. الگوی نهایی پژوهش

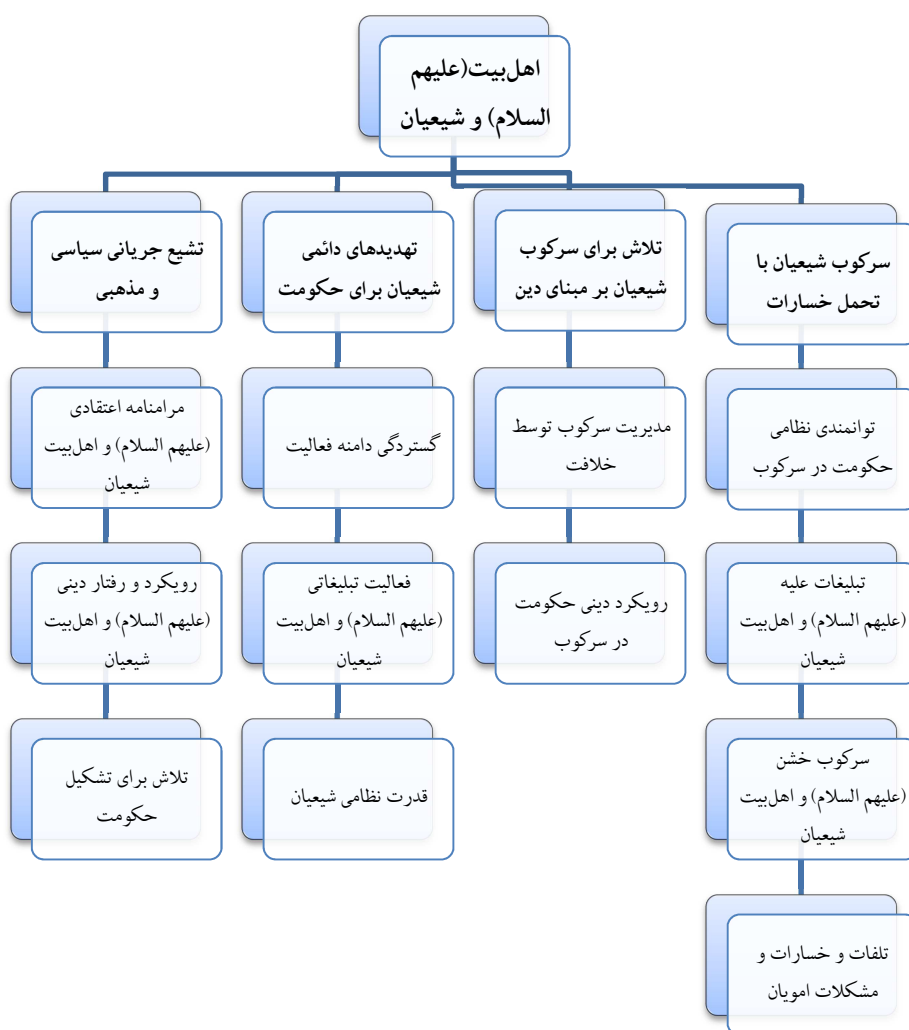
نمودار (۲) نشان می‌دهد مخاطبان آثار مورد بررسی اصحاب حدیث در این مقاله، پس از مطالعه تمام اخبار، در معرض چه مضامینی قرار می‌گیرند و یا به عبارت دیگر، اصحاب حدیث با نقل این اخبار درباره اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان در تلاش هستند تا چه مضامینی را به مخاطبان خود منتقل کنند و اخبار آنان بر چه منطقی استوار است.

نمودار (۲): الگوی نهایی پژوهش



۴. شبکه مضمونی اخبار اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان در منابع اصحاب حدیث نمودار (۳) نقشه‌ای است شبیه تارنما که شبکه مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر نهفته در منابع مورد بررسی این تحقیق را به پژوهشگران نشان می‌دهد تا دریافت بهتری از منطق حاکم بر این متون در این موضوع داشته باشند.

نمودار (۳): شبکه مضمونی اخبار اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان در منابع اهل حدیث



قبل از جمع‌بندی مضامین فراگیر در این تحقیق، لازم است به یک نکته اشاره شود: نقل و تدوین اخبار اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان توسط اصحاب حدیث - در واقع - گزارش عملکرد دستگاه خلافت اموی در قبال رقبا و دشمنان داخلی خود است و هر آنچه از این اخبار به ذهن مخاطبان منتقل شود نسبت مستقیمی با شکل‌گیری ذهنیت مثبت و یا منفی ایشان نسبت به عملکرد خلافت در این دوره دارد. بدین‌روی برای درک بهتر شبکه مضامین به دست آمده، لازم است تا رابطه میان اصحاب حدیث و دستگاه خلافت را در نظر بگیریم و توجه کنیم که بیشتر علمای اهل سنت در اواخر عصر امویان و عباسیان در صحنه رقابت اعتقادی با فرقه‌های مخالف (مانند شیعیان و خوارج) برای تقویت جایگاه فقهی و کلامی خویش، خواه ناخواه به دستگاه قدرت اموی و سپس عباسی متکی شدند و این اتکا، خواه ناخواه در چگونگی رویکرد آنان به قدرت اثری انکارناپذیر داشت. همین اتکا به دستگاه قدرت ایجاب می‌کرد تا آنان میان برخی واقعیت‌های ناهماهنگ و ناسازگار، مانند تفاوت حکمرانی این دو خاندان با زمامداری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حتی خلفای راشدین ناگزیر از چاره‌اندیشی شوند که حاصل آن مشروعیت‌بخشی به دستگاه خلافت اموی و عباسی بود. (نک. زرگری‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۱۹۷-۱۹۶) بخشی از اعتقادات ایشان، مانند جانشینی خلیفه از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و لزوم تبعیت مردم از او، عدم جواز خروج بر حاکم در هر شرایطی، و مسئولیت خلیفه برای تعقیب مخالفان و مدعیان حکومت با موضوع این تحقیق ارتباط داشت که بیان گردید.

اما این مشروعیت‌بخشی تنها در حیطه باورهای مذهبی به دستگاه خلافت باقی نماند و خود را در عرصه‌های دیگر، از جمله تاریخ‌نگاری، به ویژه تواریخ عمومی نشان داد. چنین اخبار تاریخی در آثار اصحاب حدیث که در بخش اسلامی با عصر نبوی آغاز و پس از آن در توالی خود به دوران راشدین و سپس امویان می‌رسد، مشروعیت جانشینی خلفا را در ذهن مخاطبان پیریزی می‌کند، به گونه‌ای که برخی با قاطعیت از مشروعیت‌بخشی تاریخ‌های عمومی برای نهاد خلافت سخن گفته‌اند. (رابینسون، ۱۳۹۲، ص ۹۴)

حال با توجه به مسیر طی شده توسط اصحاب حدیث از اتکای نسبی به خلافت برای تثبیت و تحکیم مذهب خویش و غلبه بر رقبای اعتقادی که حتی اقدام به مشروعیت‌بخشی برای خلافت را نیز به دنبال داشته است به درک این شبکه مضامین نزدیک‌تر می‌شویم و می‌توانیم بگوییم که آنچه از کشف چهار مضمون فراگیر مربوط به میراث تاریخی منتخب اصحاب حدیث در این پژوهش به دست آمد - که بیانگر اصول چهارگانه حاکم بر این منابع است و شامل معرفی تشیع به مثابه جریانی سیاسی و مذهبی، تهدیدهای دائمی شیعیان برای حکومت، تلاش برای سرکوب شیعیان بر مبنای دین، و سرکوب شیعیان با تحمل خسارات بود - این اصول تقویت مشروعیت نهاد خلافت اموی را نیز در نظر دارد و به عبارت دیگر، هر یک از این اصول در نهایت، مقوم پایه‌های مشروع نشان‌دادن مقابله حکومت با اهل‌بیت (علیهم السلام) و شیعیان به مثابه یک دشمن داخلی است که فرایند آن از ارتباط میان مضامین سازمان‌دهنده با مضامین فراگیر قابل مشاهده است.

نتیجه‌گیری

پژوهش پیش رو با درک اهمیت میراث تاریخی اصحاب حدیث و اشراف به نقش تعیین‌کننده گزارش‌های تاریخی آنان از صدر اسلام در ارائه تصویر آن دوران در ذهن پژوهشگران، به گردآوری اخبار اهل‌بیت (علیهم السلام) و شیعیان در عصر امویان پرداخت و با استفاده از روش «تحلیل مضمون» در صدد نشان دادن مضامین ارائه شده توسط اصحاب حدیث در این زمینه بود تا با کشف مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن - که به مثابه کل است - نشان دهد که مخاطبان اصحاب حدیث در مطالعه اخبار اهل‌بیت (علیهم السلام) و شیعیان عصر اموی در معرض چه مضامینی قرار دارند.

پس از مطالعه اخبار اهل‌بیت (علیهم السلام) و شیعیان در متون منتخب اصحاب حدیث، در مرحله اول جملاتی که در اخبار وجود داشت تحلیل شد و مضامین درونی آنها استخراج گردید که حاصل آن ۵۹ مضمون پایه‌ای بود که در مرحله دوم پس از سازماندهی

مجدد و ترکیب و تلخیص مضامین پایه‌ای با یکدیگر، ۱۲ مضمون انتزاعی‌تر که مضامین سازمان‌دهنده باشند، کشف شد و مرحله نهایی مضامین فراگیر که عام‌ترین نوع مضامین موجود در اخبار اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان بود، از مضامین سازمان‌دهنده استخراج شد.

با تحلیل شبکه مضمونی موجود در این متون به الگویی رسیدیم که توضیح‌دهنده منطق کلی و شاکله آنهاست و این مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌مثابه کل است که در قالب چهار گزاره فراگیر قابل بیان می‌باشد:

الف) تشیع؛ جریانی سیاسی و مذهبی: این مضمون بیانگر بروز تشیع به منزله جریانی سیاسی - مذهبی به رهبری اهل بیت (علیهم السلام) در عصر اموی است که با توجه به اعتقادات خاص خود و رفتار مذهبی‌شان در این دوره قابل شناسایی بودند. این جریان در تلاش بود تا بر مبنای باورهای خود، حکومتی به زعامت اهل بیت (علیهم السلام) تشکیل دهد.

ب) تهدیدهای دائمی شیعیان برای حکومت: این اصل حاکم بر متون مورد بررسی اصحاب حدیث، خطرات و تهدیدهای اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان را برای حکومت نشان می‌دهد که ضمن پاسخگویی به تبلیغات امویان علیه خود، تبلیغاتی را علیه امویان سامان دادند و با نفوذ در قبایل، منجر به ایجاد اعتراض‌ها و نهضت‌های متعددی علیه امویان شد که در حین آن قدرت نظامی شیعیان آشکار گشت و پیروزی‌های مقطعی نیز به دست آمد که در مجموع، سرکوب آنان توسط حکومت را ضروری جلوه می‌داد.

ج) تلاش برای سرکوب شیعیان بر مبنای دین: بنای این مضمون فراگیر که بر پایه مدیریت سرکوب توسط خلافت و رویکرد دینی حکومت در سرکوب استوار شده، نشانگر تلاش امویان برای ارائه نمای دینی از سرکوب شیعیان در آن دوران است.

د) سرکوب شیعیان با تحمل خسارات: این اصل نشان‌دهنده موفقیت حکومت در سرکوب اهل‌بیت(علیهم السلام) و شیعیان است که دستگاه خلافت برای نیل به آن، هم در عرصه نظامی و هم در عرصه تبلیغاتی وارد عمل گردید و در نهایت، موفق به سرکوب تمام اعتراضات و نهضت‌ها در این دوره شد و این خطر دائمی را با اعمال خشونت رفع کرد. البته این سرکوب برای حکومت کار ساده‌ای نبود و در راه آن متحمل خساراتی شد.

درک بهتر شبکه مضامین به دست آمده در این تحقیق - در واقع - مبین کارنامه امویان در موضوع اهل‌بیت(علیهم السلام) و شیعیان است و این مسئله منوط به توجه به ارتباط میان اصحاب حدیث و دستگاه خلافت اموی است. در این زمینه اصحاب حدیث برای تثبیت موقعیت دینی خود و برتری بر رقبای عقیدتی خود به دستگاه خلافت اتکا کردند و این اتکا منجر به مشروعیت‌بخشی آنان به خلافت شد که به تاریخ‌نگاری نیز سرایت کرد. با توجه به این موضوع درمی‌یابیم که دو اصل «تشیع؛ جریانی سیاسی - مذهبی» و «تهدیدهای دائمی شیعیان برای حکومت»، در واقع معرفی اهل‌بیت(علیهم السلام) و شیعیان به مثابه جریانی نیرومند و خطرناک است که دائم حکومت اسلامی و به تبع آن مسلمانان را آماج تهدید قرار می‌دهند. با توجه به پایه‌های فکری اصحاب حدیث در عدم جواز قیام علیه خلافت اسلامی و لزوم برخورد خلیفه با این افراد، امویان وظیفه داشتند تا به دفع خطر آنان پردازد؛ زیرا این کنش سیاسی اهل‌بیت(علیهم السلام) و شیعیان در برابر امویان منجر به اقدام علیه دستگاه خلافت می‌شد.

دو اصل «تلاش برای سرکوب شیعیان بر مبنای دین» و «سرکوب شیعیان با تحمل خسارات» نشان می‌دهد حکومت اموی بر اساس وظیفه خود، سرانجام با تحمل هزینه‌های هنگفت، موفق به سرکوب اهل‌بیت(علیهم السلام) و شیعیان گردید و اعمال او در این مسیر مشروع و اسلامی نمایانده شد و می‌توان گفت: باورهای اصحاب حدیث به خلافت در ثبت اخبار مربوط به اهل‌بیت(علیهم السلام) و شیعیان نقش داشته است.

منابع

۱. آقاجری، سید هاشم و حاتمی، امیرحسین (۱۳۹۳)، «روش اسنادی و گذار از آن در تاریخ‌نگاری اسلامی»، تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، دانشگاه الزهراء (س)، سال ۲۴، ش ۱۳، ص ۵-۳۱.
۲. آقانوری، علی (۱۳۹۰)، خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه‌های شیعی در عصر امامان، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ق)، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۴. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد (۱۴۰۳ق)، الاحکام فی اصول الاحکام، تحقیق احمد محمد شاکر، بیروت، دارالآفاق الجدیده.
۵. خلیفه بن خیاط، ابوعمر بن ابی هبیره اخباری عصفری (۱۴۱۵ق)، تاریخ خلیفه بن خیاط، تحقیق حکمت کشلی فواز و مصطفی نجیب فواز، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۶. ابن فراء حنبلی، ابویعلی محمد بن حسین (۱۴۲۱ق)، الاحکام السلطانیه، تصحیح محمد حامد الفیقی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۷. ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق)، المحکم و المحيط الاعظم، تصحیح عبدالحمید هنداوی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۸. امیرخانی، علی (۱۳۹۱)، «جریان‌شناسی اصحاب حدیث از ابتدای شکل‌گیری تا دوران اقتدار اشاعره»، فصلنامه علمی - پژوهشی فلسفه و الاهیات، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، سال ۱۷، ش ۲، ص ۱۲۶-۱۴۶.
۹. پاکتچی، احمد (۱۳۷۹)، «اصحاب حدیث»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر محمدکاظم موسوی بجنوردی، ج ۹، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۱۰. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، شرف اصحاب الحدیث و نصیحة اهل الحدیث، تحقیق عمرو عبدالمنعم سلیم، قاهره، مکتبة ابن تیمیه.
۱۱. خنیفر، حسین و مسلمی، ناهید (۱۳۹۶)، اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی، تهران، نگاه دانش.
۱۲. رایبسنون، چیس اف. (۱۳۹۲)، تاریخ‌نگاری اسلامی، ترجمه محسن الویری، تهران، سمت.

۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدوان داودی، سوریه، دارالقلم - دارالشامیه.
۱۴. زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۹۵)، «خليفة و خلافت در اندیشه اهل سنت و زیرساخت‌های تحول امامت و خلافت به سلطنت آسمانی و خلیفه الهی»، *خردنامه*، ش ۱۶، ص ۱۵۵-۲۰۴.
۱۵. سبحانی، جعفر (۱۴۱۴ق)، *اصول الحديث و احکامه*، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
۱۶. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۴۱۴ق)، *الملل و النحل*، تحقیق امیرعلی مهنا و علی حسن فاعور، بیروت، دارالمعرفه.
۱۷. شیخ‌زاده، محمد و عابدی جعفری، حسن و تسلیمی، محمدسعید و فقیهی، ابوالحسن (۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، سال ۵، ش ۲، ص ۱۵۱-۱۹۸.
۱۸. صابونی، اسماعیل بن عبدالرحمن (۱۴۱۹ق)، *عقیده السلف و اصحاب الحديث*، تحقیق ناصر بن عبدالرحمن بن محمد الجدیج، ریاض، دارالعاصمه.
۱۹. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث.
۲۰. فسوی، ابویوسف یعقوب بن سفیان (۱۴۰۱ق)، *المعرفة و التاريخ*، تحقیق اکرم ضیاء العمری، بیروت، مؤسسه الرساله.
۲۱. قاسم‌پور، محسن و مهمان‌نواز، علی (۱۳۹۴)، «بررسی تغییرات انگاره سنت نبوی در طول دو قرن نخست هجری»، *پژوهشنامه تاریخ اسلام*، انجمن ایرانی تاریخ اسلام، تهران، سال ۵، ش ۲۰، ص ۱۰۹-۱۳۲.
۲۲. کرون، پاتریشیا (۱۳۸۹)، *تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام*، ترجمه مسعود جعفری، تهران، سخن.
۲۳. لالکائی، حسن بن منصور طبری (۱۴۲۲ق)، *شرح اصول اعتقاد اهل السنة و الجماعة*، تحقیق ابویوب نشات بن کمال مصری، اسکندریه، دارالبصیره.
۲۴. لطفی، سید مهدی و شکرانی، رضا و ترک‌لادانی، زهرا (۱۳۹۷)، «جریان‌های حدیثی کوفه در عصر امام صادق (ع)»، *نیمسال نامه علمی - ترویجی حدیث و اندیشه*، دانشگاه قرآن و حدیث، ش ۲۵، بهار و تابستان، ص ۱۱۹-۱۴۲.

25. Attrid-Stirling, J. (2001), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, Vol. 1, No. 3, pp. 385-405.

26. Patton, M.Q. (1990), *Qualitative evaluation and research methods*, Thousand Oaks, CA: Sage.